

بیراه

پاتریک مودیانو

«برنده‌ی جایزه بزرگ آکادمی فرانسه»

مترجم: آرش نقیبیان



بیراه  
پاتریک مودیانو  
(رومان)



مترجم: آرش نقیبیان  
چاپ اول: ۱۳۹۲  
محل چاپ: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۹۲  
نمونه خوان: تحریریه فرهنگ آرش  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-92998-4-3

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

انتشارات فرهنگ آرش ۰۹۱۲۵۵۷۸۹۷۰

|                     |                                                |
|---------------------|------------------------------------------------|
| سرشناسه             | مودیانو، پاتریک، ۱۹۴۵ - م.<br>Modiano, Patrick |
| عنوان و نام پدیدآور | بیراه/پاتریک مودیانو، ترجمه‌ی آرش نقیبیان      |
| مشخصات نشر          | تهران: فرهنگ آرش، ۱۳۹۲.                        |
| مشخصات ظاهری        | ۱۸۴ ص.                                         |
| شابک                | ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۹۸-۴-۳                              |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیبا                                           |
| یادداشت             | عنوان اصلی: Les boulevards de ceinture, ۱۹۷۲.  |
| موضوع               | داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰ م.                 |
| شناسه افزوده        | نقیبیان، آرش، ۱۳۵۵ -، مترجم                    |
| رده بندی کنگره      | ۱۳۹۲ ب۹۴ / PQ۲۶۸۱                              |
| رده بندی دیویی      | ۸۴۳/۹۱۴                                        |
| شماره کتابشناسی ملی | ۳۱۶۴۴۹۰                                        |

## سخن مترجم

پاتریک مودیانو (متولد ۱۹۴۵ در پاریس) نویسنده فرانسوی نزد علاقمندان فارسی زبان رمان و ادبیات چهره‌ای آشنا است. طی ده سال گذشته دست کم هشت رمان از مودیانو به فارسی ترجمه و منتشر شده است و هم چنین مقالات متعددی درباره‌ی بوطیقای آثار این نویسنده‌ی در نشریات فرهنگی و ادبی به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> از این رو از بحث درباره‌ی زندگینامه‌اش می‌گذریم و تنها به چند درونمایه‌ی مهم رمان‌های مودیانو اشاره‌ای گذرا می‌کنیم. اصلی‌ترین موتیف آثار این نویسنده‌ی فرانسوی هویت و حافظه و اگر دقیق‌تر بگوییم ضعف هویت و فقدان حافظه است. غالب قهرمانان رمان‌های مودیانو از اختلال شخصیت و هویت رنج می‌برند،

---

۱. از جمله مقاله‌ی در جستجوی هویت و حافظه درنگی بر آثار پاتریک مودیانو در شماره ۹۹ ماهنامه ادبی و هنری گلستانه به قلم نگارنده این سطور.

برخی تمامی حافظه خود را از دست داده‌اند مانند (رمان جواهر کوچولو و خیابان بوتیک‌های تاریک) و برخی دیگر نیز بخشی از حافظه آن‌ها مختل شده و قسمت‌هایی از زندگی خود را به خاطر نمی‌آورند (مانند شخصیت پدر در رمان بیراه)

محور مهم دیگر که اشاره به آن لازم است دوران اشغال فرانسه توسط آلمان‌ها در جنگ دوم جهانی است و تبعات ناگواری که این رویداد در روح و همبستگی ملی فرانسوی‌ها ایجاد کرده است. مودیانو هر چند بنا بر گواهی شناسنامه‌اش جنگ دوم جهانی را به رای العین ندیده و زمانی به دنیا آمده که جنگ به اتمام رسیده است اما از طریق مطالعه عمیق و کنجکاوی‌های شخصی‌اش موضوع اشغال فرانسه را در آثارش درونی کرده و آن را به یکی از محوری‌ترین موتیف‌های رمان‌های فلسفی و زیبایی‌های خود بدل ساخته است. منتقدان البته به موضوعات دیگری مانند شخصیت مشکوک پدر مودیانو و کودکی نابسامان او و هم چنین مرگ مودی برادر نویسنده اشاره می‌کنند که ضربه سختی به روحیه‌ی تاریک جوان وارد کرد.

درباره ترجمه رمان (بیراه) تذکار یک نکته مهم را ضروری می‌بینم: ترجمه‌ی دقیق عنوان کتاب (بلوارهای کمربندی) است و کتاب در فرانسه از شهرت فراوانی برخوردار است برنده‌ی جایزه بزرگ آکادمی فرانسه گشته و تا امروز به ۳۰ زبان ترجمه شده است و به تعبیر ایوون بلانژه منتقد فرانسوی بعد از رمان میدان اتوال دومین و معروف‌ترین کتاب مودیانو است.

هشت سال پیش شبی در منزل استاد زنده یاد رضا سیدحسینی مترجم فقید و فرهیخته در جمع کوچکی از ارادتمندان ایشان نشسته بودیم و

صحبت به ترجمه این رمان مودیانو کشید اظهار کردم که بسیار مایلم تا این اثر درخشان را به فارسی ترجمه کنم. استاد ضمن تشویق اینجانب سفارش کردند که بهتر است هنگام ترجمه نام کتاب به (بیراه) تغییر کند و آن زمان نیز دلایل چندی درباره پیشنهاد خود آوردند هر چند در آن تاریخ محاب نشدم و فکر می کردم که بهتر است کتاب با عنوان اصلی اش (بلوارهای کمربندی) به فارسی ترجمه شود اما با گذشت چند سال اتفاق دیگری افتاد که نظرم را عوض کرد و پیشنهاد استاد سید حسینی را پذیرفتم. قضیه از این قرار بود که هانری بوشو نویسنده معاصر فرانسوی کتابی دارد که ترجمه فارسی آن دقیقاً معادل جاده کمربندی است (و البته این تنها یک اتفاق نادر است چرا که به لحاظ موضوعی و محتوایی هیچ ارتباطی بین مودیانو و بوشو وجود ندارد) و از قضا کتاب هانری بوشو با دو ترجمه به فارسی درآمده و انتشار یافته است. از این رو عنوان مشابه دیگری هر چند از نویسنده‌ای متفاوت در آشفته بازار عرصه‌ی نشر و پخش کتاب در ایران می توانست شائبه‌ی دوباره کاری را ایجاد کند و از منزلت کتاب بکاهد از این رو تصمیم گرفتم همان عنوان زیبای پیشنهادی استاد سید حسینی (بیراه) را بپذیرم که البته خوانندگان فرهیخته‌ی این کتاب پس از مطالعه به درستی و دقتی که در این تغییر وجود دارد پی خواهند برد

بسیار مایلم تا ترجمه این رمان زیبا را که البته کار ساده‌ای هم نبود و با وسواسی که دارم چند سالی به طول انجامید به یاد و خاطره‌ی استادام رضا سید حسینی تقدیم کنم ران ملخی به پیشگاه سلیمان

آرش نقیبیان

## مقدمه

راوی داستان بیراه مرد جوانی است که تصمیم می گیرد پس از سال‌ها به جست‌وجوی پدر خود بپردازد. این جست‌وجو او را به سال‌های بسیار دور و گذشته می‌برد که مقارن با دوران جنگ جهانی دوم و سال‌های پس از آن است. سال‌هایی که جوان جست‌وجوگر داستان بیراه در فضایی وهم آلود، گذشته و آینده را در هم می‌آمیزد. جست‌وجوی پدر، راوی را به روستای «سن - نه - من» در نزدیکی جنگل فونتن بلو، در نزدیکی پاریس می‌کشاند و او در این مکان با افراد مشکوک و مجهول الهویه‌ای آشنا می‌شود که برای گذران تعطیلات و روزهای آخر هفته به ویلاهای خود در این روستا می‌آیند و با پدر راوی روابط گنگ و ناشناخته‌ای دارند. راوی پس از آشنایی با این افراد در می‌یابد که برای گشودن کانال‌های ارتباطی با پدرش باید از مسیر این افراد مشکوک عبور کند و در جریان آن به حقیقتی

تلخ دست می‌یابد؛ این افراد با تحقیر پدر راوی داستان قصد سربه نیست کردن او را پس از رسیدن به منافع خود دارند.

شخصیت‌ها، متعلق به طبقات اجتماعی مختلف‌اند که به دنبال دستیابی به جایگاه‌های خاصی در جامعه‌ی آن روز فرانسه هویت جعلی بر طبق روایت‌های دروغین از خود ساخته‌اند. «کنت دو مارچوره» که سابقاً لژیونر بوده است و تنها ره آورد وی از سال‌های عضویت در لژیون فرانسه بیماری مالاریا است که روز به روز او را ناتوان‌تر می‌کند. «ژان مورای» مدیر مسئول یک روزنامه است که به همراه برادر زاده‌اش زندگی می‌کند. «آنی مورای» هنرپیشه‌ای آماتور است که با موهای بور و پیچیده در یک پالتوی پوست قرار است به زودی با لژیونر بازنشسته ازدواج کند. و در آخر، پدر راوی که دیگران او را با نام «بارون دیکوکر» صدا می‌زنند.

راوی داستان سعی می‌کند بدون آنکه حساسیت دیگران را برانگیزد، برای شناختن بیش‌تر پدر و مناسبات او با افراد این گروه، روابط خود را با آن‌ها گسترش دهد و به این ترتیب در جریان داد و ستدها و زد و بندهای این افراد قرار می‌گیرد. هر چه بیش‌تر در روابط این گروه غرق می‌شود، بیش‌تر در مورد شخصیت واقعی پدر خود به کنکاش می‌پردازد؛ حالا دیگر سوال اصلی برای راوی، یافتن پدرش نیست بلکه شناخت پدر، منظور اصلی راوی از جست‌وجوی خود است. به راستی «بارون دیکوکر» کیست؟ یک قاچاقچی کالای بازار سیاه؟ یک یهودی جنایتکار؟ چه مسائلی او را به این گروه پیوند داده است؟ تمام داستان به شناخت این روابط از نگاه راوی می‌پردازد و با وجود این که پدر از او فاصله می‌گیرد اما راوی سعی می‌کند با

مهربانی آمیخته با حس انتقام جویی از دیگران به دلیل بی‌احترامی به پدری که نویسنده رفتار او را «شبح گونه» توصیف می‌کند، به او نزدیک شود و با تکیه بر خاطرات مشترک گذشته با زندگی پدر در آمیزد و با تکرار خاطرات دردناکی که در سال‌های دور این پدر و پسر با یکدیگر گذرانده‌اند، به ریشه‌های فرار دائم پدرش برسد.